ASPI | Afarand Scholarly Publishing Institute; Turkey
ISSN: 2538-4384; Geographical Research. 2024;39(1):11-23 10.58209/geores.39.1.11

Social Responsibility of Universities in the Environmental Field and Solving the Water Shortage Crisis in Iran

ARTICLE INFO

Article Type
Systematic Review

Authors
Hoseini S.R.[1] *MA*
Jafari Paibandi S.F.[1]* *PhD*
Khoshkhati M.[1] *PhD*

How to cite this article
Hoseini SR, Jafari Paibandi SF, Khoshkhati M. Social Responsibility of Universities in the Environmental Field and Solving the Water Shortage Crisis in Iran. Geographical Research. 2024;39(1) :11-23.

[1]Department of Political Science, Zanjan Branch, Islamic Azad University, Zanjan, Iran

***Correspondence**
Address: Islamic Azad University, Zanjan Branch, Dazheh Boulevared, Zanjan, Iran. Postal Code: 58145-454156
Phone: +98 (24) 33469500
Fax: -
fjafari2@gmail.com

Article History
Received: December 5, 2023
Accepted: January 9, 2024
ePublished: January 20, 2024

ABSTRACT

Aims Large and prominent global organizations consider responsibility towards society and the environment as a part of their strategy and try to contribute to the health and well-being of society by complying with ethical principles and transparency. In recent years, some universities have included social responsibility as an approach to sustainable development in their mission statements. Therefore, the current research aimed at the social responsibility of universities in the environmental field and solving the water shortage crisis in Iran. Therefore, the present study investigated the social responsibility of universities in the environmental field and solving the water shortage crisis in Iran.

Conclusion Universities can provide specialized graduates to solve problems related to water shortage in the society by providing educational programs related to water and environmental resources management. These programs can include environmental engineering, water resources, earth sciences, biology and other related fields. In addition to education, universities can play an important role in scientific research and research projects in the field of environment and water scarcity. These studies can help to identify new solutions, new technologies and effective policies in the management of water resources and environment. Universities can be effective in promoting the culture of environmental protection and optimal use of water resources by establishing technical and scientific cooperation with related organizations and institutions. The collaborations can include joint research, knowledge exchange, providing technical advice and continuing education.

Keywords Social Responsibility; Universities; Environment; Water Scarcity Crisis

CITATION LINKS

[Arasteh & Amiri , 2012] The role of universities in teaching ...; [Astaneh *et al.*, 2019] Developing a model for social capacity building ...; [Baradaran Haghir *et al.*, 2019] The conceptualization of social responsibility ...; [Bezzi *et al.*, 2010] Water crisis in the Middle East; Challenges and ...; [Brown & Cloke, 2009] Corporate social responsibility in higher ...; [Cohen, 2012] Being ...; [Cook & Nation, 2016] Community engagement: Universities' ...; [Eghdampour *et al.*, 2018] Identifying the influencing factors on the social responsibility ...; [Fahimi & Saghafi, 2021] Providing strategies to promote social ...; [Farhadi Rad *et al.*, 2020] Identifying and analyzing the social responsibilities ...; [Fartash & Khayyatian Yazdi, 2019] The role universities and research institutes plays ...; [Faryadi, 2019] Legal dimensions of inter-basin ...; [Ferasatkhah, 2021] The role of academics in empowering society ...; [Gallardo-Vázquez & Sanchez-Hernandez, 2014] Measuring corporate social responsibility for ...; [Gereffi & Lee, 2016] Economic and social upgrading in global value ...; [Geuna, 1996] European universities: An interpretive ...; [Gunasekara, 2006] Reframing the role of universities in the development ...; [Habibi *et al.*, 2016] Upgrading Islamic Azad University social ...; [Hannigan, 2017] Environmental ...; [Hosseingholizadeh, 2011] Higher education relevancy with an accent ...; [Jawadi Amuli, 2009] A reflection upon the station of the intellect in the matrix ...; [Khoramshad & Adami, 2009] Islamic revolution: A civilization-building revolution; Iranian ...; [Leonidas *et al.*, 2012] Managers' perceptions and opinions towards ...; [Lockeman & Pelco, 2013] The relationship between service-learning ...; [Lund-Thomsen & Lindgreen, 2014] Corporate social responsibility in global value ...; [Moradmand *et al.*, 2019] Identifying the most important factors influencing the future ...; [Nabipour, 2020] The fifth generation university: Based on ...; [Pourezzat *et al.*, 2014] Useful science; Policy making of knowledge for the ...; [Radmard *et al.*, 2013] Knowledge-sharing; Explain the necessity, and factors ...; [Rashidi, 2020] Academic stakeholders as creative agents; the ...; [Russell, 2021] A concept of corporate ...; [Salehi & Ghaemiasl, 2013] The relationship between environmental education and ...; [Samari *et al.*, 2014] Investigating and identifying effective factors in ...; [Schultze & Leidner, 2002] Studying knowledge management in information ...; [Singh, 2016] Integrating social responsibility of university and ...; [Smith *et al.*, 2017] The emerging role of universities in collective ...; [Snellman *et al.*, 2015] University in knowledge society: Role ...; [Starke *et al.*, 2017] Conceptualizing community engagement: Starting ...; [Sutton, 2018] An introduction to environmental ...; [UNESCO Conference, 2012] Rethinking development: Ethics and ...; [Yamanidoozi Sorkhabi & Samari, 2011] Students' images of Payam Noor University ...;

Copyright© 2024, the Authors | Publishing Rights, ASPI. This open-access article is published under the terms of the Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International License which permits Share (copy and redistribute the material in any medium or format) and Adapt (remix, transform, and build upon the material) under the Attribution-NonCommercial terms.

مسئولیت اجتماعی دانشگاه‌ها در حوزه زیست‌محیطی و حل بحران کم‌آبی در ایران

سیدرضا حسینی MA
گروه علوم سیاسی، واحد زنجان، دانشگاه آزاد اسلامی، زنجان، ایران
سیدفرشید جعفری پایبندی* PhD
گروه علوم سیاسی، واحد زنجان، دانشگاه آزاد اسلامی، زنجان، ایران
مهدی خوش‌خطی PhD
گروه علوم سیاسی، واحد زنجان، دانشگاه آزاد اسلامی، زنجان، ایران

چکیده

مقدمه: سازمان‌های بزرگ و برجسته جهانی مسئولیت نسبت به جامعه و محیط زیست را بخشی از استراتژی خود می‌دانند و تلاش می‌کنند که با رعایت اصول اخلاقی و شفافیت به سلامت و رفاه جامعه کمک کنند. برخی دانشگاه‌ها نیز در سال‌های اخیر مسئولیت اجتماعی را به عنوان یک رویکرد برای توسعه پایدار در بیانیه ماموریت خود جای داده‌اند. از این رو پژوهش حاضر با هدف بررسی مسئولیت اجتماعی دانشگاه‌ها در حوزه زیست‌محیطی و حل بحران کم‌آبی در ایران انجام شد.

نتیجه‌گیری: دانشگاه‌ها می‌توانند با ارایه برنامه‌های تحصیلی مرتبط با مدیریت منابع آب و زیست‌محیطی، فارغ‌التحصیلان متخصص را برای حل مسایل مربوط به کمبود آب در جامعه آموزش دهند. این برنامه‌ها می‌توانند شامل رشته‌های مهندسی محیط زیست، منابع آب، علوم زمین، زیست‌شناسی و سایر رشته‌های مرتبط باشند. علاوه بر آموزش، دانشگاه‌ها می‌توانند نقش مهمی در پژوهش‌های علمی و پروژه‌های تحقیقاتی در حوزه زیست‌محیطی و کمبود آب داشته باشند. این پژوهش‌ها می‌توانند به شناسایی راهکارهای جدید، فناوری‌های نوین و سیاست‌های موثر در مدیریت منابع آب و محیط زیست کمک کنند. دانشگاه‌ها با برقراری همکاری‌های فنّی و علمی با سازمان‌ها و نهادهای مرتبط، در ترویج فرهنگ حفاظت از محیط زیست و استفاده بهینه از منابع آب موثر هستند. این همکاری‌ها می‌توانند شامل پژوهش‌های مشترک، تبادل دانش، ارایه مشاوره فنّی و آموزش مستمر باشند.

کلیدواژگان: مسئولیت اجتماعی، دانشگاه‌ها، زیست‌محیطی، بحران کم‌آبی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۹/۱۴
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۰/۱۹
*نویسنده مسئول: fjafari2@gmail.com

مقدمه

یکی از تاثیرگذارترین سازمان‌های امروزی در کشورهای در حال توسعه دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی هستند. این نگرش که مسئولیت‌پذیری اجتماعی خاص سازمان‌ها و شرکت‌های صنعتی و تولیدی است، به عنوان یک نگرش ناقص در مدیریت مطرح است. از مهم‌ترین اقدامات در این راستا می‌توان به مطالعات بر روی ساخت خودروهای برقی، راهکارهای کاهش گازهای گلخانه‌ای، افزایش توجه اجتماعی به دانشجویان و افراد در حال تحصیل و غیره اشاره کرد. همچنین در کشور انگلستان، دانشگاه‌ها به منظور برجسته‌نمودن نقش اجتماعی خود به سمت خصوصی‌سازی فعالیت‌های عمومی خود حرکت نموده‌اند [Brown & Cloke, 2009]. در واقع مطابق نتایج پژوهش *لئونیداس* و همکاران [Leonidas *et al.*, 2012] افزایش حس مسئولیت‌پذیری به ارتقای تعهد اجتماعی افراد در سازمان‌ها منجر شده و پایداری اجتماعی را به دنبال خواهد داشت. دانشگاه‌ها با داشتن مسئولیت‌پذیری در قبال جامعه و مخاطبین مستقیم خود (دانشجویان) نقشی اساسی در پرورش فرهنگ پاسخ‌گویی دارند. سند چشم‌انداز ۱٤۰٤ ایران آینده را در جایگاه اول اقتصادی، علمی و فناوری در سطح منطقه آسیای جنوب غربی تصویر کرده است. مطالعه فرآیند توسعه در جهان حکایت از این واقعیت دارد که نظام‌های آموزش عالی همواره عامل بنیادی تکامل و توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جوامع بوده‌اند. بنابراین، کشورهایی که خواهان توسعه همه‌جانبه، متوازن و پایدار هستند لازم است نظام آموزش عالی خود را به طور متوازن و پایدار توسعه دهند. شرط لازم برای این نوع توسعه نیز بررسی و شناخت دقیق وضعیت گذشته و موجود و عوامل و نیروهای درونی و بیرونی تاثیرگذار در فرآیند توسعه دانشگاه است. این شناخت به مدیران دانشگاهی یاری می‌رساند تا با نگاه و اندیشه‌ای عمیق بتوانند الگوی موجود هدایت دانشگاه و برنامه‌ریزی و توسعه دانشگاهی را مورد تامل قرار داده و در نوع سازمان‌دهی فعالیت‌های دانشگاهی، خلاقیت و نوآوری را مد نظر قرار دهند [Rashidi, 2020]. بدین منظور، برخورداری از تفکر برنامه‌ریزی و سازمان‌دهی ضرورتی اساسی است. موضوع مدیریت و برنامه‌ریزی «توسعه دانشگاهی»، ضرورت نهادینه‌کردن تفکر و عمل برنامه‌ریزی با دیدگاه راهبردی و پویا برای توسعه به منظور پیداکردن جایگاه ویژه دانشگاه در بین دانشگاه‌های منطقه و جهان، سازگاری با تحولات علم و فناوری روز و درک بُعد مفهومی آن از سوی صاحب‌نظران در بیانیه‌های کنفرانس‌های جهانی یونسکو مورد توجه و تاکید جدی قرار گرفته و در دانشگاه‌های مهم جهان از جمله دانشگاه‌های دولت کبک کانادا، دانشگاه‌های اروپا، ایالات متحده و استرالیا جزو اشتغالات اساسی مدیران آن دانشگاه و به میدانی تخصصی تبدیل شده است [UNESCO Conference, 2012]. به این ترتیب، دانشگاه‌ها نقش محوری در مواجهه با تغییر و تحولات جامعه دارند و از این رو نیازمند تغییر در ماموریت‌ها، کارکردهای اساسی و تطبیق خود با تقاضای اجتماعی، فناوری، علمی، فرهنگی و راهبردهای تغییر در «توسعه» هستند؛ موضوعی که "نظم‌بخشیدن به آشفتگی" نامیده می‌شود [Russell, 2021]. این امر می‌تواند در سازمان‌دهی فعالیت‌های علمی، تحقیقاتی و پاسخ‌گویی به جامعه نقش مهمی ایفا نماید. بررسی‌ها نشان می‌دهند روند توسعه دانشگاه‌ها در دنیا به سوی بازتعریفی از نقش دانشگاه‌ها [Geuna, 1996] و شکل‌گیری پارادایم جدیدی از مفهوم توسعه و برنامه‌ریزی [Yamanidoozi Sorkhabi & Samari, 2011] در حال حرکت است. در کل، با توجه به این مطالعات می‌توان "توسعه دانشگاهی" را فرآیندی سیستمی و کل‌نگر، به منظور سازمان‌دهی و هدایت فعالیت‌ها و کارکردهای سیستم دانشگاه (آموزشی، پژوهشی و خدماتی) و توسعه و بهبود قابلیت‌ها و ظرفیت‌های لازم متناسب با شرایط محیطی، نیازها و تقاضای آن و نیز متناسب با مقتضیات درونی دانشگاه بدانیم که برنامه‌ریزی آن در تعامل پویا با محیط بوده

و خطوط کلی حرکت دانشگاه را با رویکرد راهبردی و براساس تشخیص وضعیت دانشگاه مشخص می‌نماید [Samari *et al.*, 2014].

در چند دهه اخیر، ایران به علت وضعیت جغرافیایی خاص آن مشکلات و اختلالات بارشی، عدم استفاده صحیح از آب و گسترش کسب‌وکارهای صنعتی، کشاورزی و فعالیت‌های انسانی که انجام آنها مستلزم بهره‌وری از آب است و ناکارآمدی دولت در بهره‌وری از آب دچار بحران کم‌آبی شده است. وابستگی کشورها به منابع آب سایر کشورهای هم‌جوار از عللی است که مساله نزاع بر سر آب را ایجاد نموده و موجبات بروز جنگ‌ها و انفجارهایی را در سدها فراهم نموده است. مشکلاتی مانند قحطی، از بین‌رفتن محصولات کشاورزی و زراعی، افت آب‌های زیرزمینی، کاهش تولیدات کشور و از بین‌رفتن دام‌ها و سایر موجودات، بیکاری کشاورزان و کاهش محصولات آنها و به تبع افزایش چشمگیر قیمت محصولات کشاورزی و هجوم آفات به این محصولات، افزایش جرم در اجتماع، مهاجرات افراد به سایر کشورها و به‌وجودآمدن مشکلات اقتصادی و روانی نیز از دیگر مشکلاتی است که از خشکسالی و بحران آب ناشی می‌شود. از دیگر چالش‌های بحران آب انتقال آب و رعایت حق آبه مناطق فرستنده آب است. این برداشت آب در میان چند منطقه از طریق حوضه‌های آبی مشترک صورت می‌گیرد و متعاقب آن بر حوضه فرستنده صدمات انسانی و محیط زیستی وارد می‌شود. امکان انتقال آب میان حوضه‌ای بسته به نوع مالکیت بر منابع آب و شکل حقوقی نظام سیاسی هر کشور صورت می‌گیرد. در ایران آب تحت تملک دولت بوده و انتقال آن نیز مطابق صلاحدید دولت صورت می‌گیرد. این امر در اصل ۱٤٥ قانون اساسی و ماده ۱ قانون توزیع عادلانه آب سال ۱۳٦۱ به صراحت بیان شده، بنابراین حتی انتقال میان حوضه‌ای آب در درون یک استان مطابق صلاحدید دولت صورت می‌پذیرد، لکن تحقق این امر مطابق ماده ۱ قانون توزیع عادلانه آب تنها در صورتی امکان‌پذیر است که بهره‌برداری از آب خللی بر مصالح عمومی وارد نیاورد و با در نظر داشتن اصل ۱٤۸ قانون اساسی این انتقال موجبات تبعیض و توزیع ناعادلانه هزینه‌ها و منفعت را در میان مناطق مختلف فراهم نیاورد [Faryadi, 2019].

با توجه به بروز بحران کم‌آبی و لزوم توجه به اشاعه فرهنگ مصرف صحیح و ارایه راهکار مبارزه با این مشکل و نیز نقش برجسته دانشگاه در این راستا، در این پژوهش بر آن بودیم که مسئولیت اجتماعی دانشگاه‌ها در حوزه زیست‌محیطی و حل بحران کم‌آبی در ایران را مورد بررسی قرار دهیم.

سیاست‌گذاری زیست‌محیطی در ایران

جایگاه محیط زیست در اسناد بالادستی کشور

در این بخش اسناد بالادستی کشور در حوزه محیط زیست در چهار بخش «قانون اساسی»، «سند چشم‌انداز»، «سند ملی محیط زیست» و «برنامه‌های توسعه ٥ساله کشور» مورد بررسی قرار می‌گیرد:

الف) اصل ٥۰ قانون اساسی: محیط زیست در قانون اساسی ایران از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است؛ به طوری که یک اصل به صورت جداگانه و مستقیم به آن اختصاص یافته است (اصل ٥۰ قانون اساسی). این در حالی است که قانون اساسی شماری از کشورهای توسعه‌یافته درباره جایگاه محیط زیست سکوت کرده است. با این وجود مطابق با داده‌های به‌دست‌آمده، عدم تبدیل مفاد اصل ٥۰ قانون اساسی به سیاست‌ها و اسناد عملیاتی‌تر و خُردتر مشکلاتی را پدید آورده است.

ب) سند چشم‌انداز کشور (افق ۱٤۰٤): در بند ٤ این سند بر برخورداری آحاد مختلف جامعه از محیط زیست مطلوب تاکید شده است.

ج) سند ملّی محیط زیست: یکی از خبرگان در مورد این سند که ویرایش نخست آن در شورای عالی انقلاب فرهنگی در حال بررسی است چنین می‌گوید: «برخی از موارد مندرج در این سند در تمام ۲۳٤ کشور عضو سازمان ملل، شاهکار و بی‌نظیر است و در صورت تصویب آن به لحاظ رعایت‌های محیط زیستی گام بسیار خوبی به جلو برداشته می‌شود». نکته حایز اهمیت در مورد ضرورت تصویب و ابلاغ هرچه سریع‌تر سند آن است که عرصه فعلی تدوین خط مشی‌های زیست‌محیطی از یک ابر خط مشی عملیاتی‌تر نسبت به اصل ٥۰ قانون اساسی و یا سند چشم‌انداز رنج می‌برد و همین خلا سیاستی موانع و آسیب‌های فراوانی را در هماهنگی میان دستگاه‌های اجرایی و تقنینی مربوط به وجود آورده است. «اما در سند ملّی محیط زیست که چندین و چند بند داشته و به صورت تفصیلی در پنج فصل تنظیم شده است، سیاست‌های جزیی‌تر ذیل اصل مذکور در قانون اساسی پیش‌بینی شده است».

د) مفاد زیست‌محیطی برنامه‌های توسعه: این مقوله برآمده از انجام «مطالعه تاریخی» است. منظور از مطالعه تاریخی بررسی اجمالی مستندات مربوط به برنامه‌های توسعه کشور (برنامه اول تا هفتم) از منظر ملاحظات زیست‌محیطی است. موضوع برنامه‌های توسعه از دو جهت قابل بررسی است. نخست سیاست‌های کلی برنامه‌های توسعه که به نوعی بر تدوین برنامه حاکم است و دوم محتوای برنامه‌های توسعه که در آن شاهد «تطور و تکامل تدریجی برنامه‌های توسعه» در خصوص موضوع محیط زیست هستیم. بررسی برنامه‌های کلان توسعه کشور حاکی از آن است که هرچند جهت‌گیری‌های مثبتی در زمینه حفظ محیط زیست صورت گرفته و تلاش‌های قابل توجهی انجام پذیرفته، لکن این اقدامات در مقابل میزان تخریب و آلودگی‌های زیست‌محیطی ناشی از فعالیت‌های توسعه‌ای بسیار ناچیزند. در این بخش جایگاه و اهمیت خط مشی‌های زیست‌محیطی در برنامه‌های اول تا ششم توسعه کشور مد نظر قرار گرفته است. البته با توجه به عدم پایان‌یافتن دوره زمانی برنامه ششم توسعه، ارزیابی نتایج آن مشابه برنامه‌های قبلی صورت نپذیرفته است [Samari *et al.*, 2014].

بازیگران و گروه‌های ذی‌نفع سیاست‌گذاری زیست‌محیطی کشور

بازیگران و گروه‌های ذی‌نفع عرصه خط مشی‌گذاری عمومی در هر کشوری منحصربه‌فرد بوده و با توجه به نوع نظام حاکمیتی، پیشینه تاریخی، مذهب و جهان‌بینی حاکم بر سیاستمداران آن کشور و بسیاری از عوامل دیگر از کشوری به کشور دیگر متفاوت است. با نتایج به‌دست‌آمده در کشور شاهد کثرت‌گرایی بازیگران و گروه‌های ذی‌نفع هستیم (جدول ۱).

جدول ۱) بازیگران موثر خط مشی‌گذاری زیست‌محیطی کشور

ذی‌نفع	بازیگر زیست‌محیطی	توضیحات
قوه قضاییه	شعب دادرسی ویژه زیست‌محیطی سازمان بازرسی کل کشور	تشکیل در سال ۱۳۷۹ به دستور رییس وقت قوه نیروی انتظامی جمهوری اسلامی
شورای شهر	شهرداری‌ها و دهیاری‌ها	کمیسیون‌های تخصصی «سلامت و محیط زیست» ذیل شوراهای اسلامی شهر و روستا
مستقل	تشکل‌های مردم‌نهاد (NGOs) بخش خصوصی	رسانه‌های مکتوب، دیداری و شنیداری دانشگاه‌ها، دانشکده‌ها و پژوهشکده‌های محیط زیست

راهبرد سیاست‌گذاری زیست‌محیطی کشور

ضرورت طراحی راهبرد خاص زیست‌محیطی کشور را می‌توان از دو جنبه مورد بررسی قرار داد:

الف) شرایط اقلیمی و اکوسیستمی خاص کشور: نوع و شدت مسایل زیست‌محیطی با توجه به شرایط اکوسیستمی و اقلیم جغرافیایی هر کشور متفاوت با سایر نقاط جهان است. ایران به دلیل ظرفیت‌های اقلیمی و موقعیت‌های جغرافیایی خاص خود از استعدادهای ویژه زیست‌محیطی برخوردار بوده و در عین حال مسایل و بحران‌های زیست‌محیطی خاص خود را دارد. اظهار نظر یکی از خبرگان در این خصوص گویاست: «*از جمله چالش‌های مهم زیست‌محیطی در کشور ما آن است که در یک شرایط جغرافیایی خشکسالی قرار داریم. علاوه بر آن به عنوان یکی از ۱۵ کشوری هستیم که دارای ناپایدارترین شرایط بوم‌شناختی است. همچنین ایران در شمار ۱۰ کشور اول دارای نگران‌کننده‌ترین چالش‌های زیست‌محیطی کره زمین همچون فرسایش خاک، جنگل‌زدایی، فرونشست آب‌های زیرزمینی، نابودی تالاب‌ها و بیابان‌زایی جای دارد*». یکی دیگر از خبرگان به عنوان نمونه در مورد بحران دریاچه ارومیه به عنوان یکی از مسایل حاد زیست‌محیطی کشور اینگونه می‌گوید: «*دریاچه ارومیه بر پایه قواعد طبیعی دارای حیات منطقی بوده و ارتباط منطقی بین آب شور دریاچه و آبریز منطقه برقرار بوده است. متاسفانه برنامه‌ریزی غلط یعنی برنامه‌ریزی بدون در نظرگرفتن استعدادها و آمایش استان به‌تدریج باعث چنین بحرانی شده است*». مسایل خاص زیست‌محیطی کشور نظیر ریزگردها، آلودگی هوا و مدیریت مصرف آب از وجوه اصلی تمایز شرایط زیست‌محیطی کشور است.

ب) ماهیت ارزش‌محور خط مشی‌ها: علوم خط مشی‌گذاری را می‌بایست به لحاظ محتوا و نیز مد نظر قراردادن ارزش‌های انسانی درون آن از نظر ماهیت جزء علوم هنجاری دانست. رویکرد علوم خط مشی‌گذاری به‌وضوح اهداف مبتنی بر ارزش‌ها را به شکل قابل ملاحظه‌ای در خود به‌کار می‌برد. پیش از این چنین مطرح بود که خط مشی باید عاری از ارزش‌ها بوده و دیدگاه عقلانیت ابزاری حاکم بر آن باشد. با پذیرش رویکرد ارزش‌محور به سیاست‌گذاری زیست‌محیطی، نگاه اسلام به موضوع «محیط زیست» تاثیرات فراوانی در این فرآیند به دنبال خواهد داشت. مطالعه و بررسی در قرآن کریم نشانگر آن است که محیط زیست و عناصر آن از اهمیت ویژه‌ای برخوردارند (در قرآن کریم بیش از ۲۳ مورد مقوله تسخیر طبیعت و منابع آن، ۱۸ مورد احیای طبیعت، بیش از ۱۵ مورد لفظ بحر (دریا) و مانند آن، ۱۲ مورد الفاظ جبل و جبال (کوه)، ۱۲ مورد ریح و ریاح (باد)، ۵ مورد شجر (درخت)، ۹ مورد نهر و انهار (رود و رودخانه)، ۱۲ مورد دابّ و دوابّ (جنبنده و جانور)، بیش از صد مورد لفظ زمین و ٦٠ مورد سماء (آسمان) به‌کار رفته است. نگاه قرآن به انسان نگاه «خلیفه الهی» است؛ به این معنا که انسان خلیفه و جانشین خدا در دنیاست و کرامت انسان در پرتو خلافت اوست و «خلیفه» آن است که در تمام شئون علمی و عملی خود تابع «مستخلف عنه» (خداوند متعال) باشد. مطابق با این رویکرد، قرآن از انسان به عنوان خلیفه خداوند در زمین می‌خواهد با بهره‌گیری از این مواد خام به آبادانی آن پرداخته و نسبت به محیط زیست شان «امانت‌داری» را ایفا کند. علاوه بر این قرآن کریم «رابطه مستقیم اعمال انسان و طبیعت» را در آیات گوناگونی بیان و برهان عقلی مزبور را تایید کرده است. آیات قرآن در این باره به چند دسته اصلی و فرعی تقسیم می‌شود: دسته اول آیات ناظر به اصل ارتباط متقابل اعمال انسان و حوادث جهان؛ دسته دوم آیات دال بر رابطه کارهای نیک و پیامدهای گوارای جهان و نهایتاً دسته سوم آیات ناظر به ارتباط کارهای بد و حوادث ناگوار جهان [Jawadi Amuli, 2009].

رویکرد «عقلایی» در راهبرد سیاست‌گذاری زیست‌محیطی کشور

با توجه به مدل‌های متعارف تصمیم‌گیری و خط مشی‌گذاری عمومی و نیز اظهارات خبرگان می‌توان بخشی از فرآیند سیاست‌گذاری زیست‌محیطی کشور را ذیل مدل «عقلایی» طبقه‌بندی کرد. نظر دو تن از خبرگان در این زمینه گویاست: در برنامه‌ریزی توسعه پایدار، مراحل برنامه‌ریزی را به سه مرحله پیش از برنامه‌ریزی، برنامه‌ریزی و پس از برنامه‌ریزی تقسیم می‌کنیم که در هر مرحله نیازمند تعریف فهرست اطلاعات مورد نیاز، اقدام برای گردآوری آنها از منابع اطلاعاتی از پیش مشخص شده داریم. همان‌گونه که پیوست‌های سلامت و یا فرهنگی ضروری است، پیوست‌های زیست‌محیطی نیز باید پیگیری شده و به عنوان مثال پیش از طرح‌های عمرانی از جمله سدسازی باید مطالعات زیست‌محیطی در قالب پیوست‌های زیست‌محیطی انجام شود. سپس این پیوست‌ها در یک مرجع ذی‌صلاح ارایه و در خصوص آنها تصمیم‌گیری شود. مطابق با مجموع نظرات به‌دست‌آمده در آن بخش از مسایل زیست‌محیطی که «اطلاعات» و «فرصت» کافی موجود است، به‌کارگیری مدل عقلایی نتایج بهتری در اخذ تصمیمات مربوط خواهد داشت اما آمار و اطلاعات زیست‌محیطی در موضوعی مشابه بعضاً متفاوت است. به طوری که به عنوان مثال در خصوص بحران دریاچه ارومیه هر نهاد یا منبعی آمار زیست‌محیطی خاص خود را ارایه می‌دهد. آمار می‌تواند پایه‌ای برای تهیه گزارش وضعیت محیط زیست، اصلاح و نقد شاخص‌های EPI باشد، اما

متاسفانه در حوزه آمار محیط زیست عقب‌ماندگی‌های زیادی داریم.

رویکرد «جزیی-تدریجی» در راهبرد سیاست‌گذاری زیست‌محیطی

در بخشی از مسایل زیست‌محیطی، فرصت کافی برای حل مساله بروزیافته وجود ندارد، به این معنا که تاخیر در حل مساله منجر به تبدیل‌شدن آن به «بحران» زیست‌محیطی خواهد شد. مطابق با نتایج به‌دست‌آمده از خبرگان، حل این بخش از مسایل مطابق با «مدل جزیی-تدریجی» انجام می‌شود. یکی از خبرگان با بیان این جمله که «*در این زمینه (سیاست‌گذاری زیست‌محیطی) هم نباید چرخ را دوباره اختراع کنیم؛ چراکه در دولت‌های قبلی پژوهش‌ها و برنامه‌های خوبی تدوین شده است.*» سعی در تبیین فایده بررسی سابقه قوانین زیست‌محیطی برای تصمیم‌گیری‌های بعدی این حوزه داشت. برخی قوانین زیست‌محیطی وجود دارد که مصوب سال‌های گذشته است و می‌توان با اصلاحاتی از آنها بهره گرفت. اعم از مصوب مجلس یا مستندات وزارت نیرو شامل مسایل آب و انرژی، صنایع و معادن یا وزارت جهاد کشاورزی که شامل جنگل‌ها و شیلات می‌شود. یکی از خبرگان ارتقای تدریجی جایگاه محیط زیست در برنامه‌های توسعه پنج‌ساله کشور را مثال زده است: «*با توجه به رشد جایگاه محیط زیست در نظام برنامه‌ریزی کشور در برنامه دوم توسعه، زمینه برای ایجاد تحولات بیشتر طی برنامه سوم فراهم شد، به طوری که برنامه سوم توسعه در فرآیند تحولات زیست‌محیطی کشور از نقاط عطف محسوب می‌شود*». در این برنامه برای نخستین‌بار محیط زیست به عنوان یک فصل مجزا (فصل دوازدهم) تحت عنوان سیاست‌های زیست‌محیطی مطرح شد. در حالی که در برنامه اول تنها یک تبصره و در برنامه دوم سه تبصره به موضوع حفاظت از محیط زیست تاکید داشت که این مساله به‌خوبی ارتقای جایگاه محیط زیست در نظام برنامه‌ریزی کشور را نمایان می‌سازد.

بر این اساس، الزامات نظری طراحی راهبرد سیاست‌گذاری زیست‌محیطی کشور ذیل رویکرد خط مشی‌گذاری «تلفیقی» *آمیتای اتزیونی* طرح می‌شود. رویکرد تلفیقی *آتزیونی* در پاسخ به نارسایی‌ها و محدودیت‌های مدل «عقلایی» و مدل «جزیی-تدریجی» و با هدف بهره‌گیری همزمان از مزایای آنها طراحی شده و در واقع دو مدل مذکور را با یکدیگر تلفیق کرده است. البته چنین تلفیقی لزوماً به معنی هم‌وزن‌بودن آنها نیست بلکه بدان معناست که در شیوه خط مشی‌گذاری زیست‌محیطی کشور با توجه به ماهیت و اقتضای مسایل ظهوریافته از یکی از این دو رویکرد استفاده شود. آن دسته مسایل زیست‌محیطی که از فوریت کمتری برای طراحی خط مشی برخوردار بوده و خط مشی‌گذار در حل آنها امکان جمع‌آوری اطلاعات مورد نیاز را دارد از مزایای رویکرد عقلایی در آینده‌نگری و بررسی راه‌حل‌های ممکن بهره‌مند شده و مسایلی که توجه عاجل خط مشی‌گذار را می‌طلبد (مسایل در آستانه بحران) مطابق با توصیه‌های رویکرد جزیی-تدریجی مورد توجه قرار می‌گیرند. البته براساس ماهیت مسایل مطروحه و سایر شرایط محیطی، خط مشی زیست‌محیطی مصوب و به عنوان خروجی سیستم وارد نظام بعدی می‌شود که همان سیستم اجرای خط مشی است.

نقش دانشگاهیان در سیاست‌گذاری عمومی

دانشگاه‌ها از جمله تاثیرگذارترین سازمان‌های اجتماعی هستند که در توسعه و گسترش هنجارهای اجتماعی سهم بسزایی دارند. هنجارهای پذیرفته‌شده در جامعه زمانی درک خواهند شد که از جانب نهادی دانش‌محور مورد توجه قرار گیرند. از مهم‌ترین هنجارهای عصر جدید توجه ویژه سازمان‌ها به نقش پاسخ‌گویی آنهاست. این مزیت در فرهنگ سازمان‌ها به عنوان یک اصل نهادینه شده است [Moradmand *et al.*, 2019]. سازمان‌ها باید به منظور پاسخ‌گویی اجتماعی در مقابل ذی‌نفعان و سایر افراد جامعه به دغدغه‌های جامعه در خصوص محیط زیست، امور اجتماعی و بشردوستی اهمیت دهند و بسته به فرهنگ سازمانی خاص خود به تدوین سیاست‌های سازمانی مربوط به مسئولیت‌پذیری اجتماعی مبادرت ورزند [Arasteh & Amiri, 2012]. از آنجا که آموزش عالی از طرفی در محیط و بازار رقابتی کامل، بالغ و متنوع شده است و از سوی دیگر محیط ملّی و جهانی آن در تحول ژرف، پردامنه و مستمر قرار دارد؛ بنابراین دانشگاه‌ها برای رویارویی با چالش‌ها و فرصت‌ها، باید شکل و ساختار خود را تغییر دهند [Gereffi & Lee, 2016]. دانشگاه‌ها صرفاً فراهم‌کنندگان خدمات آموزشی و پژوهشی نیستند؛ بلکه شکل‌دهنده هویت افراد مسئولیت‌پذیر نسبت به کشور خود و سایر کشورهای جهان نیز هستند [Lund-Thomsen & Lindgreen, 2014]. بنابراین، دانشگاه‌ها نقش مهمی را در ایجاد توانایی نسل آینده به منظور دستیابی به موفقیت، رویارویی با پدیده جهانی‌شدن و رشد اقتصادی و ساخت آینده‌ای پایدار برای مردم در سراسر جهان ایفا می‌کنند [Leonidas *et al.*, 2012]. در این راستا، مسئولیت اجتماعی دانشگاهی (University Social Responsibility: USR) به موضوع محوری بحث‌های تاثیرگذار در سازمان‌های مربوط به آموزش عالی در قرن بیست و یکم تبدیل شده است [Gallardo-Vázquez & Sanchez-Hernandez, 2014].

در علوم اجتماعی نقش هر یک از گروه‌های اجتماعی مثل نقش معلمان، استادان دانشگاه و نویسندگان براساس انتظارات جامعه و گروه‌های مهم اجتماعی و به‌ویژه گروه‌هایی که به عنوان «گروه‌های مرجع» شناخته می‌شوند تعریف می‌شود. اگر گروه‌های مرجع را گروه‌های مرجع رسمی یعنی سیاست‌گذاران و قانون‌گذاران در نظر بگیریم، این گروه‌ها از طریق آیین‌نامه‌ها و سیاست‌هایی که وضع می‌کنند برای طبقات مختلف جامعه نقش‌هایی تعریف می‌کنند. نقش دانشگاهیان به حساب آیین‌نامه‌های موجود در دانشگاه فقط تولید مقاله است و انتظاراتی که در قالب آیین‌نامه‌ها، سیاست‌های موجود رسمی و یا ضمنی آموزش عالی به شکل هدف‌های پنهان و هدف‌های آشکار تعریف و نهادینه شده نیز از هیات‌علمی تولید رزومه است تا برای او رتبه تعریف شود. به سبب این به اصطلاح تولیدها از طریق آیین‌نامه‌ها، برای آنان، انتظاراتی به شکل ضمنی تحمیل می‌شود. بر این مبنا نقش استاد تنها به کلاس رفتن و پرکردن ساعت‌های آموزشی‌اش خلاصه می‌شود. از نظر *کوئن* برخی افراد همواره مطابق با انتظارات دیگران رفتار نمی‌کنند اما در عین حال، نقشی را

که جامعه به آنان محول کرده انجام می‌دهند [Cohen, 2012].
این قواعد نهادی براساس انتظارات گروه‌های رسمی از اساتید تنظیم شده‌اند و براساس آن عمل می‌کنند. شاید بسیاری از این افراد واقعاً کار کنند و نقش رسمی‌شان را خوب بازی کنند، اما هیچ ارزش افزوده‌ای برای کشور به‌وجود نخواهد آمد. طبق پیمایش‌های ملّی، پژوهش‌های دیگر و برخی از مشاهدات روزمره یکی از گروه‌هایی که مردم همیشه به آنها اعتماد بالایی داشته‌اند فرهنگیان، معلمان و دانشگاهیان بوده‌اند. در پیمایش‌های انجام‌شده در دهه‌های ۵۰ و ۷۰ و همچنین پیمایش‌هایی که اخیراً انجام شده است نشانه‌هایی وجود دارد که مردم بیش از کسبه، بازاریان و حکمرانان به دانشگاهیان اعتماد داشته‌اند [Samari *et al.*, 2014; Habibi *et al.*, 2016].
در کنار «نقش»، به کلمه دیگری به نام «کارکرد» نیز پرداخته می‌شود. به نظر، تفاوت «کارکرد» با «نقش» در این است که «کارکرد» امری رفتاری است. یعنی «وظایف اداری من چیست؟»، رفتار شرطی داشتن نسبت به محرک‌های موجود، که نوعاً از جنس ارتقا و فرصت پیداکردن برای ورود به رسته‌های مدیریتی است [Fartash & Khayyatian, 2019] نوعی رفتارگرایی را در آموزش عالی حاکم می‌کند. در مقابل مفهوم «کارکرد» مفهوم دیگری به نام «عملکرد» داریم. «عملکرد» غیر از کارکرد است و جنبه رویدادی و خلاق دارد. هر یک از اساتید یک «عملکردی» دارند، برای مثال، در کلاس بچه‌ها را به مشارکت دعوت‌کردن و غیره. عملکرد یک اتفاق است. تعریف دانشگاه در همه جای دنیا این است: «دانشگاه اجتماع خودتنظیم دانشمندان است». دانشگاه یعنی محلی برای «دانش‌پژوهان»، یعنی کسی که با دانش، تولید معنا، تولید تفکر، نظریه‌پردازی، طرح و حل مساله سروکار دارد. بنابراین، «استاد دانشگاه باید «عملکرد» داشته باشد نه یک «رفتار»، استادان باید در کلاس عملکردهای متعدّد و خلّاقیت داشته باشند. باید به سراغ «عملکرد» برویم و به صرف «رفتار» و وظیفه اکتفا نکنیم» [Samari *et al.*, 2014; Baradaran Haghir *et al.*, 2019].
افراد زیادی در جامعه هستند که در حوزه‌های فرهنگی و اجتماعی کار می‌کنند ولی دانشگاهی نیستند و می‌خواهند جامعه را توانمندسازی و اصلاح ساختار کنند. سوال این است که فصل ممیز دانشگاهیان با فعالان فرهنگی خارج از دانشگاه در این زمینه چیست؟ به نظر در میان عموم فعالان فرهنگی و اجتماعی، فصل ممیز دانشگاهیان این است که دانشگاهیان باید «از طریق دانش» جامعه را توانمند و ساختارها را اصلاح کنند. با ایده‌های متفاوت، عدالت‌خواهی، آزادی‌خواهی، میهن‌دوستی، انسان‌دوستی و علاقه به پیشرفت جامعه و توسعه همه‌جانبه کشور و تلاش برای اصلاح ساختارها براساس عدالت، کارآمد و مبتنی بر حقوق انسان‌ها، «از طریق دانش». از نظر «شاخص توسعه انسانی» یا همان «اچ دی آی»، کشورهایی با شاخص توسعه انسانی (Human Development Index) بالا، کشورهایی با سرمایه و توسعه انسانی بالا محسوب می‌شوند. یکی از مهم‌ترین دارایی‌های ایران علی‌رغم مشکلات، سرمایه انسانی بالا است. جمعیت آموزش‌پذیر و تحصیلات و جمعیت دانشجویان زیاد شده است [Farhadi *et al.*, 2020].
طبق شاخص‌های جهانی، «لگاتوم» شاخصی است که براساس ۹ مولفه خود جوامع را مورد مقایسه قرار می‌دهد. به عنوان مثال طبق «لگاتوم» ۲۰۲۰ یعنی آخرین گزارش‌ها در مقایسه چین با ایران، ما در خیلی از شاخص‌ها با چین تفاوت زیادی داریم. براساس شاخص‌های به‌کار رفته در لگاتوم و از میان ۱۴۹ کشور، رتبه ایران در دنیا، در شاخص «آزادی‌های فردی» رتبه ۱۴۵، در شاخص «ایمنی و امنیت» رتبه ۱۲۰، در شاخص «حکمرانی» رتبه ۱۳۶ و در شاخص «کیفیت اقتصاد» که به کیفیت اقتصاد، بازار و شرایط سرمایه‌گذاری مربوط می‌شود باز از چین کمتر هستیم و با آن خیلی فاصله گرفته‌ایم، یعنی چین خیلی از ما جلوتر است. با وجود اینها، در شاخص «آموزش» رتبه ایران در دنیا ۷۱ است. اگرچه برازنده ایران نیست، اما به هر حال، حداقل در آموزش با همه مشکلاتی که در کیفیت احساس می‌کنیم، در مقایسه با خیلی از کشورهای دیگر در دنیا وضعیت خوبی داریم.
از دید بزرگان، دانشگاهیان برای اصلاح ساختارهای جامعه باید از طریق ارتقای دانش، جامعه را توانمندسازی کنند. اصلاح ساختارها بدون جامعه امکان‌پذیر نیست. ساختارها باید به شکل اجتماعی اصلاح، بعد زیسته، تمرین و مشارکت شوند. مردم احساس کنند که به دست خودشان سازمان اجتماعی، نحوه حکمرانی، مقررات، محیط حقوقی، سیستم‌ها و ساختارهایشان را بهبود می‌بخشند.

توانمندسازی جامعه از طریق ارتقای دانش

دانشگاه به عنوان نهادی تاثیرگذار در پیشرفت و ارتقای اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی هر جامعه‌ای سه کارکرد اصلی دارد که عبارتند از: ۱. تولید دانش (پژوهش)؛ ۲. انتقال دانش (آموزش)؛ ۳. اشاعه و نشر دانش (خدمات).
از میان این سه کارکرد، تولید علم و دانش مهم‌ترین کارکرد دانشگاه‌ها در جوامع صنعتی نوین هستند.
خلق دانش: اولین وظیفه یک دانشگاه «خلق دانش» است، تا با افزودن یک مقاله خوب، کتاب خوب و ایده تازه ارزش جامعه را بالا ببرد. خلق دانش عبارت است از قابلیت یک سازمان به عنوان یک کل در تولید دانش جدید، به اشتراک‌گذاری آن در تمام سازمان و تجسم آن در محصولات، خدمات و سیستم‌ها [Schultze & Leidner, 2002]. تاکید و توجه به خلق دانش در سازمان‌ها، این سازمان‌ها را در شناخت هرچه بهتر محیط پیرامون و درک نیازها و خواسته‌های مراجعین خود یاری می‌دهد. این امر به سازمان امکان می‌دهد تا شیوه‌های جدید انجام امور را بیاموزد و براساس آن، روش‌ها و رویه‌های جاری خود را کاراتر و اثربخش‌تر نمایند. فرآیند بررسی و تعامل با محیط بیرونی، هماهنگ‌سازی بهره و نتایج فکری با سایر دانش‌های حاصل از پروژه‌های (طرح‌های) تحقیقاتی به طور مداوم به منظور شناسایی مشکلات، نیازها و فرصت‌ها، تجسم‌یافتن دانش صریح در دانش ضمنی است. تجسم‌یافتن دانش صریح در دانش ضمنی، یادگیری در عمل و تجربه مجدد است. اهمیت خلق دانش برای توانمندسازی جامعه است. قدرت، قدرتِ دانش است. پس جامعه ایران هم برای قدرتمندشدن و داشتن ساختارهای خوب

باید ساختارهای مختلفی در دانش داشته باشد. ساختارهای یادگیرنده و حکمرانی یادگیرنده باید سازمان اجتماعی مبتنی بر دانش داشته باشند و تولید دانش نباید ترجمه سطحی باشد. در واقع از دانش جهانی باید به صورت خلاقانه اقتباس و استفاده شود، اما در عین حال دانش باید محلی باشد. مساله مهم اما تولید دانش در خود جامعه ایران است، یعنی به مقاله‌های دنیا، مقاله‌ای که نویسنده‌اش ایرانی و نقش ایرانی در آن نمودار می‌شود افزوده شود، یعنی ارجاعات، مسایل، مشاهدات و داده‌هایش متعلق به این کشور است و این تولید دانش می‌تواند جامعه را به همان میزان توانمندسازی کند [Schultze & Leidner, 2002].

تعلیم دانش: بعد از «آفرینش دانش»، نوبت «تعلیم دانش» است. «تعلیم دانش» نیز از طریق گفت‌وگو و مشارکت در کلاس اتفاق می‌افتد. از «آفرینش، خلق و ابداع دانش». «تعلیم دانش» باید به صورت مشارکتی و از طریق گفت‌وگو انجام شود، استاد به عنوان تصویرگر باید کمک کند تا یادگیری به صورت اکتشافی و مشارکتی اتفاق بیفتد. «تعلیم» بخشی از آن کاری است که ما از طریق دانش می‌توانیم انجام دهیم. در واقع هر دانشجوی ایرانی که به کمک استاد می‌تواند پژوهشی انجام دهد؛ از این طریق به توانایی ایران افزوده می‌شود و این دانشجو می‌تواند یک مدیر، منتقد، اصلاح‌گر، متفکر، شهروند و کارمند خوب باشد چون بلد است که با دانش، کار و زندگی کند و مبتنی بر دانش مسایلی را طرح و حل کند. مجموعه اینها را «تاثیرات دانشگاهی» می‌نامیم. دانشگاهیان چطور باید در کنار «تاثیر آکادمیک» «تاثیر اجتماعی» هم داشته باشند؟ در واقع خلق و تعلیم دانش در نهایت «تاثیر آکادمیک» است، یعنی مرزهای دانش را گسترش می‌دهیم و اجتماع علمی‌مان را می‌سازیم. مثلاً تمام گفت‌وگوها، بحث‌ها، همایش‌ها، سمینارها کنفرانس‌های ما در سطح ملی و بین‌المللی «تاثیر آکادمیک» محسوب می‌شود. بعد از ساختن این اجتماع علمی، مشارکت و گسترش مرزهای دانش، آنچه مهم است «تعلیم دانش» است تا از این طریق تاثیر اجتماعی دانش را نیز داشته باشیم. باید تلاش کنیم تاثیر و اثربخشی اجتماعی داشته باشیم [Ferasatkhah, 2021].

ترجمه دانش: اولین کاری که برای دانشگاهیان خیلی مهم است «ترجمه دانش» است، یعنی دانش خود را برای عموم «ترجمه» و به زبان جامعه، کارفرمایان و سیاست‌گذاران تبدیل کنند. یعنی بتوانند سیاست‌سازی و تصمیم‌سازی کنند. یعنی دانشگاهیان با رشته‌های مختلف بدانند چطور از طریق دانش‌شان می‌توانند یک سیاست جدید اجتماعی تولید کنند یا چطور برای بهبود سیستم‌های صنعت، سیستم‌های اجتماعی، سیستم‌های حکمرانی و سیستم‌های قانون‌گذاری تصمیمی بگیرند. مثلاً از نظر حقوقی یک دانشگاهی چه کمکی می‌تواند بکند. این ترجمه دانش دانشگاهی به زبان کارفرما، جامعه هدف، محله و خانواده است. البته نباید صرفاً به کارفرما فقط در معنای شخصی صاحب یک پروژه و یک کارفرمای شرکتی نگاه شود، زیرا از جهاتی، محله و خانواده، کارفرمای جامعه محسوب می‌شوند. یعنی یک دانشگاهی باید سفارش‌های خاموش اجتماع را بفهمد و دانشش را به زبان جامعه ترجمه کند. آنچه اهمیت دارد این است که یک دانشگاهی بتواند این بحث‌ها و مسایل علمی را با «عوام» یعنی با اشخاص غیرحرفه‌ای، غیرمتخصص و مردم عادی داشته باشد. مهم‌تر اینکه به محله، شهر، کارخانه، نهادهای اجتماعی، نهادهای مدنی و سمن‌ها برود. کسانی را در نظر بگیرد که مثلاً به مادران سرپرست خانوار و یا کسانی که به معلولان ذهنی کمک می‌کنند؛ از خود بپرسد آیا ما به عنوان دانشگاهی اصلاً بلد هستیم با چنین افرادی حرف بزنیم. ما در هر رشته‌ای که هستیم می‌توانیم حرف‌هایمان را برای آنها ترجمه کنیم؛ در واقع منظور از «ترجمه دانش» همین است [Ferasatkhah, 2021].

ترویج دانش: ترویج دانش یک عنصر استفاده از دانش برای ایجاد اندوخته و قابل استفاده از نتایج تحقیقات برای حل مسایل عملی یا ایجاد نوآوری‌های جدید است [Radmard *et al.*, 2013]. بعد از «ترجمه دانش» مساله «ترویج دانش» یا همان انتقال دانش به جامعه است. اشاعه و نشر دانش در جامعه تنها به وسیله نیروی انسانی ممکن است. ترویج علم در حیطه عمومی به عنوان یک فعالیت نظام‌یافته با مشارکت نهادهای مختلف آموزشی، اجرایی (دولت)، اقتصادی (از جمله بخش خصوصی و بازار) و جامعه مدنی، تحولی نوپدید است که از عمر آن چند دهه بیشتر نمی‌گذرد. در واقع از حدود اوایل سال‌های دهه ۱۹۸۰ است که دولت‌های غربی به نحو جدی و همه‌جانبه توجه خود را به این پدیده معطوف ساختند، زمینه‌های مناسب برای رشد این فعالیت را فراهم آوردند و دیگر کنشگران اصلی در جامعه (یعنی جامعه علمی، بازار و جامعه مدنی) را به همراه خود در راستای تحقق اهداف این فعالیت بسیج کردند. در واقع یک چیز دیگر هم لازم است و آن این است که مراکز دانشگاهی دانش را به جامعه گسیل کنند [Khoramshad & Adami, 2009].

انتقال دانش: دومین کارکرد اصلی دانشگاه انتقال دانش تولیدشده به نسل‌های جوان به منظور تربیت دانش‌آموختگان فرهیخته و تربیت نیروی انسانی متخصص برای جامعه است. دانشگاه در جوامع صنعتی نوین نه‌تنها عامل اصلی تحولات علمی و فناوری در بخش‌های اقتصادی تولید (صنعتی، کشاورزی، توزیع (بازرگانی)، پشتیبانی (خدمات و غیره) هستند، بلکه عامل اصلی نواندیشی و جنبش‌های اجتماعی-فرهنگی در مناسبات اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی جامعه نیز هستند [Nabipour, 2020]. از سوی دیگر، دانشگاه‌ها به طور همزمان تامین‌کننده نیروی انسانی متخصص برای بخش‌های مختلف اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی هستند. «انتقال دانش» با «گسیل دانش» تفاوت دارد. «گسیل دانش» یعنی به دانش تحرک داده شود، که لازمه‌اش این است که دانشگاهی بتواند نتایج را بیان کند؛ بگوید اگر این کار را انجام دهید، این نتیجه را می‌گیرید. باید به جامعه نشان بدهد که نتیجه دانش می‌تواند به سیستم‌های کشور چه کمکی کند و این بتواند روی کار دانشگاهی تشویش و هیجان بیشتری ایجاد کند. مثلاً برای مقابله با ترافیک و فجایع طبیعی مانند زلزله، یک

دانشگاهی چه کاری می‌تواند انجام بدهد؟ لازمه این کار این است که بتواند دانش را گسیل کند، به این معنا که به نحوی نتایج را بگوید و به جامعه زبان ببخشد [Ferasatkha, 2021]. منظور از تعبیر زبان‌بخشی به جامعه این است که جامعه نیاز به زبان علمی دارد. در واقع خیلی از مردم چیزهایی را می‌دانند و «حس مشترک» دارند. نقش دانشگاهی این است که به مردمی که خودشان هم چیزهایی را می‌فهمند صدای علمی بدهد. صدای علمی یعنی صدای دانشی که معتبر است؛ طوری که مردم مطمین شوند یک نظر یا ایده خاص، مبنای علمی، دانشی، تحقیقی و نظری دارد. یعنی چیزی را که مردم به صورت «واقعی» می‌فهمند ما آن را «مفهومی» کنیم. برای مثال مادر خانواده اضطراب فرزندش را متوجه می‌شود، اضطراب بچه‌اش را به طور واقعی می‌بیند، بی‌خوابی و سربه‌هوا بودن او را می‌بیند، این «واقعی» است و «مفهوم‌سازی شده» نیست. نقش دانشگاهی این است که به این مادر و پدر بگوید مساله فرزند تو از نظر صورت‌بندی علمی به چه شکل است. مثلاً اضطراب در خانواده‌ای از نوع «الف» است، این نوع اضطراب چنین مسایلی ایجاد می‌کند. یعنی شما به آن زبان می‌دهید به‌گونه‌ای که حالا شخص درک می‌کند که مساله‌اش چه بوده است و چطور مشکلش را حل کند. با این کار دانش به صورت مداوم وارد زندگی مردم می‌شود و دانشی که در مقالات دانشگاهی به بند کشیده شده بود تحرک پیدا می‌کند. خیلی از دانشمندان و دانشگاهیان پشت تخصص‌شان پنهان می‌شوند و جامعه و خودشان هم نمی‌فهمند چه‌کار می‌کنند. در واقع «العلم حجاب الاکبر» می‌شود علم حجاب می‌شود. حتی گاهاً دانشگاهیان در تخصص‌شان گم می‌شوند. در حالی که باید علم را نور کنند نه حجاب. علم وقتی نور است که به جامعه روشنایی دهد، به جامعه صدا بدهد. علم وقتی نور است که بخشی از زبان جامعه شود، یعنی مردم احساس کنند با این زبان می‌توانند مسایلشان را بهتر بفهمند، توضیح بدهند و حل کنند [Ferasatkhah, 2021].

سودمندسازی دانش: سودمندسازی دانش یک مفهوم استفاده از دانش برای ایجاد اندوخته و قابل استفاده از نتایج تحقیقات برای حل مسایل عملی یا ایجاد نوآوری‌های جدید است. این موضوع در حوزه‌های مختلف از جمله صنعت، علم، فناوری و سیاست‌گذاری مورد استفاده قرار می‌گیرد [Pourezzat *et al.*, 2014]. بعد از گسیل دانش، به «سودمندسازی دانش» می‌رسیم. اگر امروز گاهی به طنز گفته می‌شود که *«اگر دانشگاه‌ها بسته شوند، مگر چه اتفاقی می‌افتد؟!»* و اینکه *«دانشگاه‌ها برای ما چه‌کار می‌کنند؟!»* این خیلی خطرناک است. مثلاً مردم می‌گویند اگر دانشگاه تهران بسته شود هیچ اتفاقی نمی‌افتد. مهم این است که وقتی دانشگاه تهران بسته می‌شود برای جامعه خیلی اتفاق بیفتد و جامعه تعطیل شود. این در چه صورت اتفاق می‌افتد؟ وقتی که مثلاً دانشِ دانشگاه تهران، دانشگاه رازی و دانشگاه شیراز سودمند باشد، مطلوبیت داشته باشد به طوری که اگر آن را از مردم بگیرید، سود، زندگی، پیشرفت، توسعه، آرامش و معنا را از دست بدهند. این زمانی اتفاق می‌افتد که دانش را مرهمی بر زخم‌ها بدانند، دانش را معطوف به مسایل اجتماعی کرده و مساله‌یابی و مشکل‌گشایی کنند. در واقع این هم یک بخش دیگر برای توانمندسازی جامعه و اصلاح ساختارها است.

اجرایی‌سازی دانش: در نهایت «اجرایی‌سازی دانش» است یعنی علاوه‌بر سودمندسازی دانش، آن را اجرایی و کاربردی‌سازی نیز می‌کنیم. کاربرد به معنای مشاوره فنی‌دادن است مثلاً، تولید یک مقاله، یافته‌هایی داشته باشد، پیشنهاداتی بیان کند و بعد اقدام‌پژوهی کند. یعنی به عنوان یک دانشگاهی بگوید من با شما و در کنار شما هستم. اینجاست که دانشگاه می‌تواند با جامعه همراهی کند، در کلاس‌ها، پایان‌نامه‌ها و رساله‌های دکتری کشور بر روی مسایل جامعه کار شود و پروژه‌های دانشگاهی و طرح‌های تحقیقاتی اعضای هیات علمی در این راستا تعریف شوند. بعد ما دانشگاهیان بگوییم با شما همراهی می‌کنیم، مشاوره می‌دهیم، اقدام‌پژوهی می‌کنیم تا ببینیم نتایج این فعالیت‌های علمی و پژوهشی مساله-محور چطور برای حل مشکلات شما به‌کار برده می‌شود [Eghdampour *et al.*, 2018]. این می‌شود توانمندسازی جامعه. آن وقت درهای دانشگاه به روی نهادهای اجتماعی، سمن‌ها، نهادهای مدنی، سازمان‌های کار، دستگاه‌های دولتی، غیردولتی، خصوصی و خانواده‌ها باز می‌شود. این نهادها باید بتوانند به دانشگاه رفت‌وآمد داشته باشند و از طریق دانشگاه مسایلشان را حل کنند. بنابراین، دانشگاه در تمام مراحل «ترجمه»، «انتقال»، «گسیل»، «سودمندسازی» و «اجرایی‌سازی» دانش معطوف به مساله قرار می‌گیرد. یعنی دانشگاه باید در خدمت جامعه و مبتنی بر مساله باشد و بخواهد که مسایل جامعه را حل کند.

علاوه بر این باید توجه کرد که دانشگاه فقط برای «حل مساله» نیست؛ دانشگاه برای تولید مساله هم هست. یک دانشگاهی قبل از حل مسایل باید برای آنان مساله ایجاد کند. مثلاً عضو هیات علمی در رشته کشاورزی فقط برای حل مساله ساخته نشده، یک دانشگاهی به عنوان فرد متخصص در رشته کشاورزی باید کشاورزی ایران را مساله‌مند کند، چون تنها حل مساله کافی نیست. یک دانشگاهی علاوه بر حل مساله، باید مساله‌های تازه‌ای ایجاد کند، حتی باید یک سری از مساله‌ها را تشدید و تکثیر کند. پس کار یک دانشگاهی این است که از کلیشه‌های مردم عبور کند، با عامه مخالفت کند و برخلاف نظر سیاستمداران حرف بزند [Hosseingholizadeh, 2011; Samari *et al.*, 2014].

«مشکل» و «مساله» با هم تفاوت دارند. ما در جامعه خیلی مشکلات داریم، اما مساله کم داریم. چرا؟ چون مساله حالت «مفهومی» دارد و مساله باید ساخته شود. این دانشگاهیان هستند که باید مشکلات را به مساله تبدیل کنند، تحقق این امر مستلزم «خودفهمی حرفه‌ای» است، یعنی بفهمیم که حرفه ما برای چیست؟ مثلاً کشاورزی از ما چه می‌خواهد؟ چرا و برای چه به اینجا آمده‌ایم. این همان خودفهمی حرفه‌ای است. در واژه «حرفه» معنای «دعوت» وجود دارد. «حرفه» دعوت است؛ حرفه‌گر دانشمندی است که از درون دعوتی می‌شنود و آن را به جامعه گسیل می‌کند. او احساس می‌کند که کار دانشگاهی یک عمل ابزاری نیست، یک دعوت است و پشت

دانشگاه رسالتی وجود دارد. در واقع، فهم ما از دانشگاه این نیست که یک سری وظایف صوری انجام دهیم یا به عبارتی «مناسک علم» را به‌جا بیاوریم. مثلا رفتن به کلاس، جلسه دفاع از پایان‌نامه، و یا تمرکز بر کسب سود از فضای علم. خودفهمی حرفه‌ای تاثیری است که از دانشگاهی‌بودن خودمان می‌گیریم. بنابراین، یک دانشگاهی ماهیتی ارتباطی، انتقادی و معطوف به رهایی دارد. فعالیت دانشگاهی همچنین در راستای «تحقق ذات» است.

تحلیل مشارکت اجتماعی دانشگاه‌ها در جامعه

با دستیابی به مشارکت اجتماعی دانشگاه باید شاهد پیامدهایی از قبیل کاهش آسیب‌های اجتماعی، افزایش کیفیت زندگی شهروندان و بهبود نیازهای بهداشتی، نهادینه‌شدن تفکر کارآفرینی در دانشگاه، کاهش بیکاری و همسویی آموزش با نیازهای جامعه بود. نقش دانشگاه‌ها طی ۲۰ سال گذشته به دلیل عواملی چون فشار و استرس که ارتباط جدیدی بین سیاست‌های آموزش عالی و توسعه منطقه‌ای دارد، تحول یافته است. این تحول به منزله نقش چهارم برای دانشگاه‌هاست که تاکید بر خدمات اجتماعی، توسعه منطقه‌ای، مشارکت منطقه‌ای، نوآوری منطقه‌ای، کارآفرینی دانشگاهی و مشارکت اجتماعی دارد [Singh, 2016]. دانشگاه‌ها هم مسئولیت عرضه آموزش و اجرای پژوهش را بر عهده دارند، هم به صورت مستقیم در قبال رشد و توسعه جامعه محلی خود مسئول‌اند [Snellman, 2015]. جنبش مشارکت اجتماعی در دانشگاه طی سه دهه گذشته ظهور پیدا کرده است؛ این جنبش شامل فعالیت‌های متعددی نظیر آموزش خدمات، مشارکت مدنی و پژوهش‌های مرتبط با جامعه است [Smith *et al.*, 2017]. مشارکت اجتماعی، هدفی راهبردی برای دانشگاه‌ها در نظر گرفته می‌شود؛ به طوری که برخی دانشگاه‌های خارجی تغییر جالب توجهی در جهت‌گیری خود به سمت اجتماعی‌شدن داشته‌اند. دانشگاه‌ها برای پیوستن به مشارکت اجتماعی در حل مسایل بهداشت، مسکن، فرصت‌های آموزشی، عدالت اجتماعی، اشتغال، تجارت، زنان، مسایل بومی و مدیریت زیست‌محیطی فعالیت دارند [Gunasekara, 2006]. مشارکت اجتماعی اگر به طور مداوم میان دانشگاه‌ها مطرح شود به تعامل بین دانشگاه و جامعه کمک می‌کند [Starke *et al.*, 2017]. برخی رویکردها تاثیر مثبتی بر دانشجویان نظیر حفظ و تکمیل تحصیلات دارند [Lockeman & Pelco, 2013]. مسایل اجتماعی و زیست‌محیطی، رفاه ذی‌نفعان و توسعه محلی کمک می‌کند. علاوه بر این، مشارکت اجتماعی عدالت اجتماعی را نیز ترویج می‌دهد [Cook & Nation, 2016]. همچنین سبب تقویت ارزش‌های دموکراتیک، ارایه خدمات اجتماعی به جوامع محلی، تعهد اکولوژیکی و محیطی و توجه به مسایل مهم اجتماعی و کمک به کارهای خیر می‌شود. با توجه به اینکه دانشگاه از ارکان مهم جامعه است، بُعد اجتماعی آن فراتر از زمان و مکان است و باید به حد کفایت به آن توجه شود. با توجه به تغییرات اجتماعی و فرهنگی در آغاز قرن بیست‌ویکم، دانشگاه‌ها مجبورند درباره جایگاه و عملکردشان در جامعه بازنگری کنند. دانشگاه‌ها درصدد ارایه آموزش در حوزه فنی و حتی فردی‌اند؛ ولی ممکن است در تشریح مشکلات جامعه به دانشجویان موفق نباشند یا نتوانند به آنها تفهیم کنند که در برابر جامعه خود مسئول هستند [Vázquez *et al.*, 2014].

آسیب‌شناسی مسئولیت اجتماعی دانشگاه در ایران

مطالعات نشان داده است در حالی که باید بخش زیادی از تجربه در دانشگاه از طریق ارتباط مستقیم با جامعه به‌دست بیاید، اما دانشگاه در ایران سهم کمی از شناخت دانشجو از جامعه را باعث شده است. دانشجو شناختی از نظریات جامعه‌شناختی دارد بدون آنکه بتواند ارتباط درخوری میان این آگاهی نظری با شناخت ملموس از جامعه برقرار کند و در نتیجه براساس آن به تحلیل و عمل دست بزند. چه در سطح شناخت و چه برای عمل دانشگاهی، دانشگاه در ایران ایده یا ایده‌هایی مشخص برای برقراری ارتباط با جامعه ندارد؛ و این موضوع شاید مهم‌ترین آسیب‌شناسی از دانشگاه ایرانی (به‌خصوص در حوزه علوم اجتماعی و انسانی) باشد. متاسفانه کمتر دیده می‌شود که اساتید دانشجویان را به سمت تجربه‌گری سوق بدهند. در واقع ارتباطات بین جامعه و دانشگاه در کشور خلاق و کارساز نیست. دانشجو با گرفتن کمترین تاثیر از جامعه، ٦ سال تا دوره کارشناسی ارشد و ده سال تا دوره دکتری طی و مقاله و پژوهش تولید می‌کند. نتیجه این است که می‌بینیم دانشگاه از فعالان حوزه اجتماعی برای تعریف مسایل خود دعوت نمی‌کند. در مقابل فعالان مدنی هم کمتر به کمک‌گرفتن از پژوهش‌های دانشگاهی می‌اندیشند. برای همین است که مثلاً دیده می‌شود که بسیاری از پژوهش‌ها انجام شده و به کار گرفته نمی‌شوند و در ادامه با معضل پروژه‌های پژوهشی مواجه می‌شویم که بعضاً دچار سوداگری می‌شوند.

در حوزه آسیب‌ها سوال این است که چگونه دانشگاه در ۱۰ سال آینده می‌تواند مسئولیت اجتماعی خود را بهتر انجام دهد. یک درخواست عینی در این زمینه مواجهه کشور با موج جدیدی از تحریم‌ها است که ظاهراً کشور به لحاظ سیاسی تا حدی از آسیب‌های آنی این اتفاق گذر نموده اما از نظر اجتماعی مشخص نیست که چه بلایی در راه است. تجربه تحریم‌های قبلی نشان داد که پس از یکی دو سال موجی از آسیب در حوزه‌های مختلف همچون کودکان کار، زنان بی‌سرپرست و بدسرپرست، طلاق و غیره در کشور ایجاد می‌شود. دانشگاهیان علی‌الحساب و به عنوان یک ضرورت باید بلندگوی جامعه در این زمینه باشند و دولت را به سمت پشتیبانی درست از این معضل سوق دهند. این موج آسیب فروپاشی جامعه را در پی خواهد داشت [Baradaran Haghir *et al.*, 2019].

تدوین الگو به منظور ظرفیت‌سازی اجتماعی و جامعه‌پذیری بحران آب

رابطه انسان و طبیعت در طول تاریخ دستخوش تغییرات و تحولات بسیاری شده است. این تحولات به سه مرحله عمده تقسیم می‌شوند: مرحله اول دوره تسلط طبیعت بر انسان به طوری که مردم طبیعت را به شکل مجموعه‌ای از نیروها یا نیرویی می‌دیدند که جهان را هدایت می‌کرد. در این عصر بشر مقهور طبیعت بود و قادر نبود دخل و تصرفی در آن انجام دهد. اگر تغییری جزیی هم در محیط زیست ایجاد می‌کرد، این تصرف صدمه‌ای به طبیعت وارد نمی‌کرد. طبیعت

به‌راحتی این تصرفات را تحمل، جبران و بازسازی می‌کرد. در مرحله دوم که دوره تسلط بشر بر طبیعت بود، انسان بر اسرار طبیعت دست یافت. در اثر گسترش شهرنشینی و صنعتی‌شدن رابطه انسان با طبیعت متحول شد. دیدگاه عمده در آن زمان این بود که طبیعت در مقایسه با جامعه و فرهنگ، ناقص است. طبیعت دست‌نخورده و سرکش باید به‌دست انسان‌ها اهلی می‌شد و پرورش می‌یافت تا وحشی و بایر نماند. انسان براساس همین تفکر خود را مالک زمین می‌دانست و به خود اجازه هرگونه رفتاری با طبیعت را می‌داد. در نتیجه، با بهره‌برداری بی‌رویه خود از منابع طبیعی موجبات تخریب و آلودگی محیط زیست را فراهم کرد. وسعت این تخریب و آلودگی برای طبیعت تحمل‌ناپذیر و جبران‌نکردنی بود. آلودگی و کاهش بی‌سابقه منابع آب، خاک و هوا، تغییرات آب و هوایی و غیره همه و همه زمین را به سوی فاجعه زیست‌محیطی پیش می‌برد. در مرحله سوم انسان به خطرات تهدیدکننده محیط زیست آگاهی یافت و به فکر ایجاد رابطه‌ای جدید با طبیعت افتاد. اساس این رابطه جدید این واقعیت بود که مواهب طبیعی استفاده‌شده به وسیله بشر پایان‌ناپذیر نیستند و ضایعات ایجادشده دراثر بهره‌برداری بی‌رویه از طبیعت هم زندگی نسل حاضر هم زندگی نسل‌های آینده را به خطر می‌اندازند. برای غلبه بر مشکلات زیست‌محیطی، مردم و کل جوامع باید آموزش ببینند و در رفتارهای مخرب خود تجدید نظر کنند و آنها را کنار بگذارند [Sutton, 2018]. آب نیز به عنوان عامل حیات‌بخش و از مهم‌ترین عناصر محیط زیست از این تهدید مستثنی نیست. هم‌اکنون بسیاری از کشورها با مشکل کمبود آب روبه‌رو هستند و پیش‌بینی می‌شود تا سال ۲۰۲۵ بسیاری دیگر از کشورها نیز با مساله کمبود آب روبه‌رو شوند [Sutton, 2018]. کارشناسان امور آب پیش‌بینی می‌کنند در آینده نه‌چندان دور تنش‌ها، درگیری‌های ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی بر سر مساله آب بیشتر خواهد شد و از آنجا که همگان به آب شیرین و پاک نیاز دارند، دور از ذهن نخواهد بود که مناقشات آینده جهان بر سر منابع آب صورت گیرد. طبق اعلام مطالعات سازمان ملل متحد کمبود آب به بحرانی حاد در سراسر خاورمیانه تبدیل شده است و تنها از طریق اعمال برنامه‌ریزی‌های کلان و واقع‌بینانه و مبتنی بر تعاملات بین‌المللی و با استفاده از همه امکانات و ظرفیت‌ها کنترل‌پذیر خواهد بود [Bezzi *et al.*, 2010]. کشور ایران با متوسط نزولات جوی ۲۶۰ میلی‌متر در سال (یک‌سوم متوسط بارندگی جهان) از کشورهای خشک جهان است و منابع آب محدودی دارد. با توجه به رشد جمعیت، گسترش بخش‌های کشاورزی و فناوری و مواردی از این قبیل در ایران سرانه منابع آب تجدیدشونده کاهش یافته است؛ به طوری که براساس پیش‌بینی‌های سازمان ملل متحد در سال ۱۴۰۰ این میزان پایین‌تر از مرز کم‌آبی (۱۰۰۰ متر مکعب) خواهد رسید و کشور را وارد شرایط کم‌آبی شدید خواهد کرد و موجب ازدیاد شکاف میان عرضه و تقاضای آب می‌شود و خسارات اقتصادی، تنش‌های اجتماعی-سیاسی و مخاطرات بهداشتی را در پی خواهد داشت. بنابراین، مجموع این شرایط بیان‌کننده این مهم است که کمبود آب یک مساله محوری اجتماعی است. پژوهش‌ها نشان می‌دهند عاملی که حل مسایل زیست‌محیطی را عملی می‌کند آگاهی و شناخت و انتقال فرهنگ زیست‌محیطی است [Salehi & Ghaemiasl, 2013]. افراد هرچه بیشتر درباره محیط زیست بدانند، رفتارهای محافظتی بیشتری نسبت به آن از خود نشان می‌دهند. مهم‌ترین عوامل کنش افراد در زیست اجتماعی، مفهوم جامعه‌پذیری است. بر این اساس، مجموعه آگاهی‌ها، ارزش‌ها، هنجارها و رفتارهایی که افراد جامعه درباره محیط‌زیست پیرامون خود و مفهوم فرهنگ زیست‌محیطی کسب می‌کنند، از مجاری و فرآیندهای جامعه‌پذیری ایجاد و تثبیت می‌شود. به طور کلی، جامعه‌پذیری زیست‌محیطی فرآیندی را در بر می‌گیرد که به وسیله آن افراد در جامعه‌ای معین، با فرهنگ زیست‌محیطی آشنا می‌شوند و تا اندازه جالب توجهی ادراکشان از محیط زیست تعیین می‌شود [Hannigan, 2017]. جامعه‌پذیری نقش مهمی در استمرار زندگی یک نسل دارد. نسل‌های قدیمی جامعه به وسیله فرآیند جامعه‌پذیری، فرهنگ را به نسل‌های جدیدتر منتقل می‌کنند و با توجه به چنین انتقالی، هر جامعه‌ای موفق می‌شود دوام و بقای خود را استمرار بخشد. براساس آمار اعلام‌شده از سوی سازمان آب، مقدار مصرف سرانه آب لوله‌کشی آشامیدنی در شهرهای ایران حدود ۱۶۲ متر مکعب در سال است که از مصرف سرانه برخی کشورهای اروپایی پرآب مانند اتریش (۱۰۸ متر مکعب در سال) و بلژیک (۱۰۵ متر مکعب در سال) بیشتر است. یکی از دلایل این امر آن است که در ایران از آب آشامیدنی تصفیه‌شده برای شست‌وشوی اتومبیل، حیاط، آبیاری باغچه‌ها، استحمام، لباس‌شویی و ظرف‌شویی استفاده می‌شود؛ در حالی که در بیشتر کشورها آب آشامیدنی از آبی که به سایر مصارف می‌رسد جدا است. این موارد در کنار استفاده نادرست از آب در بخش کشاورزی و صنعت نشان می‌دهد در کشور ایران مبتنی بر فرهنگ ایرانی-اسلامی و آموزه‌های رفتار مصرف، آب هنوز به منزله مساله‌ای اجتماعی جامعه‌پذیر نشده است [Astaneh *et al.*, 2019].

در شرایط فعلی جامعه با تمام وجود تشنگی خود را نسبت به دستاوردهای امروز دانشگاه در حوزه‌های مختلف فکری و فنی اظهار می‌کند؛ چراکه آنچه سنت به آنها داده جواب‌گوی همه مشکلات آنها نیست و آسیب‌های متعدد حوزه فردی و جمعی آنها را تهدید می‌کند. با این وجود، رابطه دانشگاه با جامعه در آینده بستگی به دو قطب دیگر نیز دارد. آنچه در ارتباط میان جامعه و دانشگاه مطلوب است رابطه ارگانیک و ساختاری در حوزه آموزش و پژوهش است نه رابطه‌های استثنایی و فردی که گاه گاه در گوشه و کنار شاهد آن هستیم. مطلوب دیگر این است که نیازهای جامعه هم در دانش و هم پژوهش تا حدودی دغدغه ذهنی دانشگاهیان باشد. با این نیازها بیگانه نباشند و خود را نسبت به آنها بی‌مسئولیت ندادند. ماموریت‌گراشدن دانشگاه‌ها می‌تواند به این امر کمک کند. مطلوب دیگر این است که دانشگاهیان از سویی مهارت گفت‌وگو با مردم و انتقال دانش خود را به جامعه، با زبان ساده و از سوی دیگر به حاکمیت و برنامه‌ریزان و سیاست‌گذارن با زبان سیاست‌گذاری داشته باشند. در اکثر موارد در هر دو زمینه مشکل وجود دارد. در

حال حاضر در مورد اول سمن‌ها و در مورد دوم انجمن‌های علمی می‌توانند به جامعه کمک کنند تا این رابطه بهتر شکل گیرد. همین‌طور بازشدن درهای دانشگاه به روی گروه‌های متفاوت سیاسی، اجتماعی، فرهنگی مردم، برای ورود آسان آنان و طرح مشکلاتشان می‌تواند برای پیش‌بینی آینده این رابطه (دانشگاه، جامعه و حاکمیت) موثر باشد. نتایج پژوهش حاکی از آن است که در قطب حاکمیت، اراده قوی برای تحقق پیوند میان دانشگاه و حاکمیت و نیز دانشگاه و جامعه دیده نمی‌شود. زیرا انفعال سیاسی دانشگاه‌ها در ایران و مصلحت‌اندیشی‌ها تا حد زیادی دانشگاه را در پاسخ‌گویی به مردم ضعیف و حتی در بعضی از امور منفعل کرده است. می‌توان گفت نگاه ابزاری به دانشگاه برای پیگیری اهداف و ارزش‌های اصلی از پیش تعیین‌شده بدون توجه به دستاوردهای علمی و نیازهای روز جامعه قابل مشاهده است. استقلال دانشگاه توسط ملت و حاکمیت چندان به رسمیت شناخته نشده است. میان خواسته‌ها و نیاز مردم و حکومت تفکیک قایل نشده و بنابراین در شرایط کنونی، در عرصه‌ی تصمیم و عمل شاهد مخاطراتی هستیم. به نظر می‌رسد دانشگاه در زمینه‌های مختلف به اندازه کافی کارآمد نبوده است. در حال حاضر ظرفیت‌های نهادی و سیاستی برای تاثیر دانشگاه‌ها چندان مهیا نبوده و تصویر درستی از امکانات دانشگاه‌ها و راهبردها و همچنین تصویر درستی از نیاز اجتماع ملی و بین‌المللی از نهاد دانشگاه وجود ندارد. هرچند در اصل ظرفیت و وجاهت و میزان کارآمدی نهاد دانشگاه در ایران به منظور تمهید اهداف در این مساله بالا بوده و آگاهی و مهارت و انگیزه‌ی سوژه‌ی کنشگر دانشگاهی بسیار زیاد است [Fahimi & Saghafi, 2021]. ما بیشتر از حد مجاز، از منابع آبی تجدیدپذیر کشور برداشت داریم و سیاست‌گذاری باید در جهت کاهش برداشت منابع آبی، به اندازه میانگین جهانی برداشت منابع آبی تجدیدپذیر حرکت کند و توسعه اقتصادی و اجتماعی با ملاحظه بحران آب و تغییرات اقلیمی صورت گیرد، نه به منظور تامین آب برای توسعه.

در این مسیر نهادهای مختلف تصمیم‌گیری و اجرایی باید بحران آب و واقعیت تغییرات اقلیمی را درک کرده و سیاست‌گذاری‌های کلان کشور به طور شفاف، جامع و البته عملیاتی بحران آب را مد نظر قرار دهند، نهادهای اجرایی براب کاهش مصرف و بهره‌وری مصرف آب همراه با انجام ماموریت‌های ذاتی خود طبق سیاست‌های کلان کشور هدایت شوند، سازمان محیط زیست جایگاه واقعی خود را در نظارت بر تبعات زیست‌محیطی اقدامات نهادهای اجرایی در زمینه منابع آب به‌دست آورد، سیاست‌های کشاورزی به سمت کاهش مصرف آب و وزارت نیرو به سمت مدیریت تقاضای آب و نه مدیریت عرضه هدایت شود. نخبگان دانشگاهی نیز باید در آگاه‌سازی هرچه بیشتر مردم در راستای انجام هرچه بهتر رسالت اجتماعی خود از مسایل زیست‌محیطی و پیامدهای امنیتی، بهداشتی، اقتصادی و اجتماعی بحران آب تمام تلاش خود را کار ببندند.

پیوند دانشگاه و جامعه و به بیانی نقش دانشگاه در ایفای کارکردهای چندگانه اقتصادی، اجتماعی و سیاسی و همچنین تاثیرپذیری آن از نهادهای اجتماعی، مساله بسیاری از مباحث متاخر علوم اجتماعی است. موضوع اساسی تحلیل‌های اخیر این است که گذار به جامعه جدید دانش‌محور و همگرایی با ضرورت‌های آن مستلزم تغییر در چگونگی روابط نهادهای مولد دانش و به طور خاص دانشگاه با سایر نهادهای اجتماعی است. چالشی که در کشورمان وجود دارد آن است که از یک طرف دانشگاه‌ها در نحوه تعامل با صنایع مساله دارند که چگونه و بر چه اساسی تعاملات با صنعت را شکل دهند تا جریان‌های مستمر انتقال دانش حفظ شود و دغدغه دانشگاه در اثرگذاری بر جامعه مرتفع شود و از طرف دیگر، صنعت از پاسخ‌گونبودن دانشگاه به نیازهای علمی خود گلایه‌مند و گاهی در خصوص توانمندی یا تمایل دانشگاه برای حل مسایل خود مردد است. این در حالی است که دانشگاه از همکاری‌نکردن صنعت در فعالیت‌های علمی و حمایت از تحقیقات، چه در بخش دولتی و چه در بخش خصوصی، راضی نیست. عدم وجود مدلی مناسب از نقش‌ها و سازوکارها برای هدایت بلندمدت ارتباط بین دانشگاه و صنعت می‌تواند منجر به شکاف ناشی از فقدان ارتباط مطلوب بین این دو نماد باشد. لذا، دستیابی به الگوی تعاملات و همکاری‌ها نیازمند بازشناسی نقش این دو نهاد از یکدیگر است. رهبری فرآیند نوآوری و توسعه فناوری در اقتصاد دانش‌محور برعهده دانشگاه‌ها است.

مسئولیت اجتماعی دانشگاه‌ها در حوزه زیست‌محیطی و حل بحران کم‌آبی در ایران می‌تواند به چندین جنبه تقسیم شود. در ادامه به برخی از این جنبه‌ها اشاره می‌کنم:

۱. شناسایی و تحلیل منابع آب: دانشگاه‌ها می‌توانند با استفاده از تکنیک‌ها و متدهای جغرافیایی، منابع آب را شناسایی و تحلیل کنند. این شامل آبخوان‌ها، رودخانه‌ها، دریاچه‌ها و سایر منابع آبی است. با تحلیل داده‌های جغرافیایی و ارایه نقشه‌های مناسب، میزان و طبقه‌بندی منابع آب قابل دسترس مشخص می‌شود که این اطلاعات می‌تواند در تصمیم‌گیری‌های مدیریتی مربوط به آب کمک کند.

۲. مدیریت منابع آب: دانشگاه‌ها می‌توانند با انجام تحقیقات در زمینه مدیریت منابع آب، راهکارهایی برای استفاده بهینه و پایدار از آب ارایه کنند. برای مثال، با استفاده از مدل‌ها و سیستم‌های اطلاعات جغرافیایی می‌توان با نظارت دقیق بر تغییرات منابع آب و تخمین مصرف آب در مناطق مختلف، بهبود در مدیریت آب و جلوگیری از هدررفت آب را ایجاد کرد.

۳. آموزش و آگاهی عمومی: دانشگاه‌ها می‌توانند نقش مهمی در آموزش و آگاهی عمومی افراد و دانشجویان در زمینه حفاظت از محیط زیست و مدیریت منابع آب داشته باشند. با ارایه آموزش‌های مرتبط با حفاظت از منابع آب، کاهش تلفات آب و استفاده بهینه از آب، می‌توان به ارتقای آگاهی جامعه در این زمینه کمک کرد.

٤. مطالعات زیست‌محیطی: دانشگاه‌ها می‌توانند با انجام مطالعات زیست‌محیطی در مناطق مختلف، تاثیرات کم‌آبی بر زیستگاه‌ها و گونه‌های حیاتی را بررسی کنند. این اطلاعات می‌تواند در تصمیم‌گیری‌ها و برنامه‌ریزی‌های زیست‌محیطی موثر باشد و به حفظ تنوع زیستی کمک کند.

نتیجه‌گیری

به طور کلی، دانشگاه‌ها با تکیه بر تخصص و دانش خود در زمینه جغرافیا و مطالعات زیست‌محیطی می‌توانند در حل بحران کم‌آبی و حفاظت از محیط زیست نقش موثری داشته باشند. این نقش شامل شناسایی منابع آب، مدیریت منابع آب، آموزش و آگاهی عمومی و انجام مطالعات زیست‌محیطی است.

تشکر و قدردانی: موردی از سوی نویسندگان گزارش نشده است.

تاییدیه اخلاقی: موردی از سوی نویسندگان گزارش نشده است.

تعارض منافع: هیچگونه تعارض منافعی در راستای نگارش این تحقیق وجود نداشته است. این تحقیق برگرفته از رساله نویسنده اول به راهنمایی نویسنده دوم و مشاوره نویسنده سوم است.

سهم نویسندگان: سیدرضا حسینی (نویسنده اول)، نگارنده بحث/نگارنده مقدمه (۳۵٪)؛ سیدفرشید جعفری پایبندی (نویسنده دوم)، نگارنده مقدمه (۳۵٪)؛ مهدی خوش خطی (نویسنده سوم)، نگارنده بحث (۳۰٪)

منابع مالی: هزینه‌های پژوهش از محل درآمدهای شخصی نویسندگان تامین شده است.

منابع

- Arasteh HR, Amiri E (2012). The role of universities in teaching sustainable development. Science Cultivation. 2(2):29-36. [Persian]
- Astaneh M, Taghipour F, Davazdah Emami H (2019). Developing a model for social capacity building and water crisis socialization. Strategic Rssearch on Social Problems in Iran. 8(2):107-138. [Persian]
- Baradaran Haghir M, Noorshahi N, Roshan AR (2019). The conceptualization of social responsibility of the university in Iran. Research and Planning in Higher Education. 25(3):1-26. [Persian]
- Bezzi KH, Khosravi S, Javadi M, Hoseinnejad M (2010). Water crisis in the Middle East; Challenges and solutions. Proceedings of the 4th International Congress of Geographers of the Islamic World. Zahedan: University of Sistan and Baluchistan. [Persian]
- Brown ED, Cloke J (2009). Corporate social responsibility in higher education. An International Journal for Critical Geographies. 8(3):474-483.
- Cohen BMZ (2012). Being cultural. London: Pearson Originals.
- Cook JR, Nation M (2016). Community engagement: Universities' roles in building communities and strengthening democracy. Community Development. 47(5):718-731.
- Eghdampour R, Koshtiaray N, Esmaieli R (2018). Identifying the influencing factors on the social responsibility of students of the higher education system. Scholarly Journals Management System. 3(9):139-169. [Persian]
- Fahimi M, Saghafi F (2021). Providing strategies to promote social responsibility in universities. Proceedings of the 6th National Conference on Humanities and Management Studies. Tehran: CIVILICA. [Persian]
- Farhadi Rad H, Parsa A, Shahi S, Bahrami M (2020). Identifying and analyzing the social responsibilities of the university. Journal of Teaching in Marine Science. 7(21):33-45. [Persian]
- Fartash K, Khayyatian Yazdi MS (2019). The role universities and research institutes plays in science and technology development and policies supporting them. Science and Technology Policy. 12(2):255-267. [Persian]
- Faryadi M (2019). Legal dimensions of inter-basin water transfer. Public Low Research. 20(61):121-150. [Persian]
- Ferasatkhah M (2021). The role of academics in empowering society and reforming structures [Internet]. Kermanshah: Razi University. [cited 2024, 2, 8]. Available from: B2n.ir/k68990
- Gallardo-Vázquez D, Sanchez-Hernandez MI (2014). Measuring corporate social responsibility for competitive success at a regional level. Journal of Cleaner Production. 72:14-22.
- Gereffi G, Lee J (2016). Economic and social upgrading in global value chains and industrial clusters: Why governance matters. Journal of Business Ethics. 133(1):25-38.
- Geuna A (1996). European universities: An interpretive history. Research Memorandum. Maastricht: Maastricht Economic Research Institute on Innovation and Technology (MERIT).
- Gunasekara C (2006). Reframing the role of universities in the development of regional innovation systems. Journal of Technology Transfer. 31(1):101-113.
- Habibi N, Vazifehdoost H, Jafari P (2016). Upgrading Islamic Azad University social accountability factors. Research and Planning in Higher Education. 22(2):125-145. [Persian]
- Hannigan J (2017). Environmental sociology. Anbari M, Mohammadi A, Rostami M, translators. Tehran: University of Tehran. [Persian]
- Hosseingholizadeh R (2011). Higher education relevancy with an accent on the social role of university in a knowledge-based society. Journal of Higher Education Letter. 4(13):121-142. [Persian]
- Jawadi Amuli A (2009). A reflection upon the station of the intellect in the matrix of religious understanding. A Scholarly-Research bi-quarterly Journal of Philosophy. 1(2):17-40. [Persian]
- Khoramshad MB, Adami A (2009). Islamic revolution: A civilization-building revolution; Iranian university: A civilization-building university. Iranian Cultural Research. 2(6):161-188. [Persian]
- Leonidas P, Mary G, Theofilos P, Amalia T (2012). Managers' perceptions and opinions towards corporate social responsibility (CSR) in Greece. Procedia Economics and Finance. 1:311-320.
- Lockeman K, Pelco LE (2013). The relationship between service-learning and degree completion. Michigan Journal of Community Service Learning. 20(1):18-30.
- Lund-Thomsen P, Lindgreen A (2014). Corporate social responsibility in global value chains: Where are we now and where are we going?. Journal of Business Ethics. 123(1):11-22.
- Moradmand A, Nakhoda M, Noruzi A, Naghshineh N (2019). Identifying the most important factors influencing the future of university research policies: A case study of seven comprehensive universities. Journal of Science & Technology Policy. 12(4):31-46. [Persian]
- Nabipour I (2020). The fifth generation university: Based on the quintuple helix of Carayannis and Campbell. Iranian South Medical Journal. 23(2):165-194. [Persian]
- Pourezzat AA, Saadabadi AA, Damarchi Lou S, Pakzad M (2014). Useful science; Policy making of knowledge for the development of national interests with a fuzzy approach. Rahyaft. 24(57). [Persian]
- Radmard SG, Afkhami Ardakani M, Zaree Rahro AH

Information Systems Research Center. 26(3):213-242.
- Singh S (2016). Integrating social responsibility of university and corporate sector for inclusive growth in India. Higher Education for the Future. 3(2):183-196.
- Smith J, Pelco L, Rooke A (2017). The emerging role of universities in collective impact initiatives for community benefit. Metropolitan Universities. 28(4):9-31.
- Snellman CL (2015). University in knowledge society: Role and challenges. Journal of System and Management Sciences. 5(4):84-113.
- Starke AM, Shenouda K, Smith-Howell D (2017). Conceptualizing community engagement: Starting a campus-wide dialogue. Metropolitan Universities. 28(2):72-89.
- Sutton PW (2018). An introduction to environmental sociology. Salehi S, translator. Tehran: SAMT Publications. [Persian]
- UNESCO Conference (2012). Rethinking development: Ethics and social inclusion. France: UNESCO.
- Yamanidoozi Sorkhabi M, Samari I (2011). Students' images of Payam Noor University and its functions (the case of Payam Noor University in Tehran). Journal of Iranian Higher Education. 3(3). [Persian]
(2013). Knowledge-sharing; Explain the necessity, and factors affecting. Journal of the Popularization of Science. 4(1):27-36. [Persian]
- Rashidi Z (2020). Academic stakeholders as creative agents; the missing elements of creativity cycle in Iranian higher education (phenomenological study). Innovation and Creativity in Humanities. 9(3):61-88. [Persian]
- Russell L (2021). A concept of corporate planning. Khalili Shuorini S, translator. Tehran: Markaz Publications. [Persian]
- Salehi S, Ghaemiasl Z (2013). The relationship between environmental education and environmental protection behaviors (case study: High school girls in Babol city). Quarterly Journal of Environmental Education and Sustainable Development. 1(3):67-79. [Persian]
- Samari I, Yamanidouzi Sorkhabi M, Salehi Omran E, Geraei nezhad Q (2014). Investigating and identifying effective factors in the process of "academic development" in Iran's state universities. Educational Planning Studies. 2(4):67-100. [Persian]
- Schultze U, Leidner DE (2002). Studying knowledge management in information systems research: Discourses and theoretical assumptions. Management